



A Comparative Study of the Social Approach in the Two Exegeses of “Kashif” and “Min Huda al-Quran”*

Ala Jawahiry ^۱

Mohammad Ali Rezaei Isfahani ^۲

Seyed Mohammad Hassan Madadi ^۳

Mohammad Hossein Mahdavi Mehr ^۴



Abstract

Many thinkers believe that basing the Quran and new and up-to-date interpretations of it is a way to respond to new issues and preserve religious values and beliefs. Many commentaries were written with this concern, among them, some endeavored to use the basics of the social approach, and some did the interpretation regardless of the specific rules and basics of this approach, the latter considered them as social commentators; in this article, a comparative analysis is done. We provide two interpretations with a social approach. In this article, we have examined the compatibility of the two interpretations of “Min-Huda al-Quran” and “Al-Kashif” with the basics of the social approach (eliminating doubts from the Islamic face, proving the ability of the Quran to respond to the social requirements of the time with an educational-guidance point of view). , and the result obtained from the analysis of these two interpretations shows that the interpretation of Min Hadi al-Quran - Tafsir Hidayat - as the name of the commentary suggests, is an attempt to respond to the issues of the day by considering the aspect of education and guidance more than other categories, and the late Mughniyyah in Tafsir Kashif, by using the interpretations and sayings of the predecessors, seeks to discover the meaning of the verse and adapt it to the needs of the society today.

Keywords: Social Interpretation, Tafsir Kashif, Tafsir Min Huda al-Quran, Educational-Guidance.

*. Date of receiving: July ۲۳, ۲۰۲۲, Date of approval: January ۳۰, ۲۰۲۳.

۱. PhD Candidate, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran; (Corresponding Author) (ala.jawaheri@gmail.com).

۲. Professor of Al-Mustafa International University, Qom Iran; (rezaee.quran@gmail.com).

۳. Faculty Member of Ferdowsi University, Mashhad, Iran; (mhasanm@gmail.com).

۴. Faculty Member of Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran; (mahdavi_mh@yahoo.com).



بررسی تطبیقی رویکرد اجتماعی در دو تفسیر «الکاشف»

و «من هدی القرآن»*



آلاء جواهری^۱ محمدعلی رضایی اصفهانی^۲ سید محمد حسن مددی^۳ محمدحسین مهدوی مهر^۴

چکیده

بسیاری از اندیشمندان براین باورند که مبنا قراردادن قرآن و برداشت‌های جدید و روزآمد از آن، راهی برای پاسخگویی به مسائل جدید پیش‌رو و حفظ ارزش‌ها و باورهای دینی است. تفاسیر بسیاری با این دغدغه نگاشته شد، در این میان برخی در بهره‌گیری از مبانی رویکرد اجتماعی همت گماردند، و برخی فارغ از قواعد و مبانی خاص این رویکرد، به تفسیر پرداختند، پسینان آنان را مفسران اجتماعی به‌شمار آوردند. در این نوشتار به بررسی تطبیقی دو تفسیر با رویکرد اجتماعی می‌پردازیم. در این مقاله میزان انطباق دو تفسیر «من هدی القرآن» و «الکاشف» را با مبانی رویکرد اجتماعی (پیراستن چهره اسلام از شبهات و تردیدها، اثبات توانایی قرآن در پاسخگویی به اقتضانات اجتماعی زمان با نگاهی تربیتی - هدایتی)، موردبررسی قرار داده‌ایم، و نتیجه به‌دست آمده از تحلیل این دو تفسیر بیانگر این است که تفسیر من هدی القرآن - تفسیر هدایت - چنانکه از نام تفسیر نیز برمی‌آید سعی در پاسخگویی به مسائل روز با در نظر گرفتن جنبه تربیتی و هدایتی بیش از دیگر مقوله‌ها است و مرحوم مغنیه در تفسیر الکاشف با بهره‌گیری از تفاسیر و گفته‌های پیشینان در پی کشف مراد و مقصود آیه و انطباق آن با نیازهای روز جامعه است.

کلیدواژه: تفسیر اجتماعی، تفسیر کاشف، تفسیر من هدی القرآن، تربیتی - هدایتی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران؛ (از کشور عراق) (نویسنده مسئول) (ala.javaheri@gmail.com).

۲. استاد جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران؛ (rezaee.quran@gmail.com).

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ (mahdavi_mh@yahoo.com).

۴. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران؛ (mahdavi_mh@yahoo.com).

مقدمه

بررسی و تحلیل تفاسیر، از پژوهش‌های نوین است که به شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت ارزیابی و تحلیل می‌شوند. گاه یک تفسیر و مبانی و گرایش مفسر، مورد بررسی قرار می‌گیرد، و گاه دو مفسر و تفسیر آنان در یک رویکرد، از نظر میزان پابندی و انطباق مبانی و ویژگی‌ها آن دو، مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرند. و هریک از این دو گونه پژوهش، روش خاص خود را می‌طلبند.

رویکرد اجتماعی در تفسیر با جنبش اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر و با نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت (ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۲۰۰۱ م: ۴۶۵/۲ - ۴۵۶؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۴۰۱/۲). مصلحان معاصر با این تفکر کوشیدند پاسخی مناسب برای عقب‌ماندگی جوامع اسلامی بیابند و با استناد به آیات قرآن کریم برای مشکلات جوامع اسلامی پاسخی مناسب ارائه دهند. آنان با تکیه بر شعار تجدّدخواهی دینی برای اتحاد دنیای اسلام و برای مقابله با نفوذ استعمار، شعار برگشت به اصول دین اسلام را سر دادند (همان: ۵۴۸/۲). با این همه، بحث از تفسیر اجتماعی با چالش‌های جدی در عنوان، تعریف و ویژگی‌ها روبه‌رو است. از این جریان تفسیری در هریک از تفسیر پژوهی‌ها با عنوانی متفاوت یاد شده است. تمدنی، اجتماعی، عقلانی، تربیتی و حرکتی عناوین مختلفی هستند که برای آن به کار رفته‌اند، در بحث ویژگی‌های تفسیر اجتماعی، محققان بیش از همه متأثر از دیدگاه ذهبی در این موضوع بوده‌اند (ر.ک: نفیسی، تفسیر اجتماعی قرآن چالش تعریف و ویژگی‌ها، ۱۳۹۳ ش: ۴۴) که می‌توان آن را در دو حیطه خلاصه کرد: ۱. پیراستن چهره اسلام از شبهات و تردیدها، ۲. اثبات توانایی قرآن در پاسخگویی به اقتضانات اجتماعی زمان با نگاهی تربیتی - هدایتی.

تحقیق پیش‌رو به مقایسه دو تفسیر و میزان انطباق و افتراق این دو با مبانی و ویژگی‌های رویکرد اجتماعی خواهد پرداخت.

معرفی دو شخصیت

هر دو اندیشمند، فقیه و عالم شیعی، در عراق دروس حوزه علمیه را به پایان رسانده، بنا به شرایط خاص خود، یکی به کویت و از آنجا به ایران و دیگری از عراق به زادگاه خود لبنان مهاجرت کردند. شیخ محمدجواد مغنیه به سال ۱۹۰۴ م در روستایی در لبنان دیده به جهان گشود، دوران سطح را در نجف گذراند و در سال ۱۹۳۶ م به جیل عامل بازگشت و به فعالیت‌های علمی و تبلیغی پرداخت. در سال ۱۹۴۹ م به‌عنوان مستشار دادگاه عالی جعفری عازم بیروت شد و از سال ۱۹۵۱ م تا ۱۹۵۶ م ریاست آن را بر عهده داشت. وی در این مدت اصلاحات بسیاری در قوانین قضایی و پذیرش قاضیان صورت داد. از مرحوم مغنیه آثار بسیاری به‌صورت مقاله و کتاب برجای مانده است، برخی از کتاب‌های او (که بیش از ۶۰ اثر است)، در زمینه‌های فقه، تاریخ، تفسیر، معارف، حدیث و دیگر علوم اسلامی بوده و مهم‌ترین اثر او تفسیر الکاشف است. نگارش این تفسیر هم‌زمان با جنگ‌های داخلی لبنان و جنگ اعراب و اسرائیل صورت پذیرفته است. تفسیر الکاشف که از آخرین آثار مغنیه به شمار می‌آید در سال ۱۹۶۸ م به چاپ رسید. مفسر معتقد است



رویکرد و نگرش وی بیش از هر اثر دیگرش در تفسیرش نمود یافته است (مغنیه، تجارب محمدجواد مغنیه، ۱۴۲۵ ق: ۵۳۴).

سید محمدتقی مدرسی، به سال ۱۹۴۵ م: در کربلای معلی دیده به جهان گشود، از دوران کودکی وارد محافل علمی و معرفتی حوزه علمیه کربلا شد، در جوانی - پیش از سی سالگی - به مرتبه اجتهاد نائل آمد. ایشان در برابر ظلم نظام فاسد عراق به مبارزه پرداخت. در دهه ۶۰ میلادی، به «سازمان عمل اسلامی» - یکی از نخستین جنبش‌های مذهبی رسالت‌مند - پیوست و پیرو آن تحت تعقیب رژیم بعث قرار گرفت. حکم اعدام وی صادر شد و بالاخره در سال ۱۹۷۰ م (۱۳۹۰ هـ) - به اتفاق دایی خود سید محمد شیرازی - به‌طور مخفیانه عراق را ترک کرده و به کویت مهاجرت کردند.

مهاجرت به کویت، آغاز یک موج بیداری اسلامی بود. آیت‌الله مدرسی از رهگذر ظرفیت‌های مدرسه رسول اعظم (ص)، در جهت گسترش آگاهی اسلامی در میان عموم مردم، تلاش می‌کرد و در جلسات گفتگوی خود آگاهی دینی فعالیت‌های تبلیغی، ارشادی و نیز افشاکاری در مورد رژیم ستمگر عراق را ادامه داد. در همین راستا حمایت خود از انقلاب اسلامی ایران را اظهار می‌کرد. در این میان، مجله «الشهید» که با جهت‌دهی ایشان منتشر می‌شد، از جمله نخستین مطبوعات عربی بود که پیش از پیروزی انقلاب، نوید آن را می‌داد، و پس از پیروزی از نخستین حامیان مطبوعاتی عربی انقلاب به‌شمار می‌رفت. در عرصه تحول رسالت‌مند در ایران، روابط آقای مدرسی با نخبگان سیاسی و مبارزان فعال مذهبی محکم‌تر گردید. ایشان سهم بسزایی در حمایت از موج بیداری اسلامی در منطقه، و حمایت از پیشگامان این بیداری در خارج از ایران ایفا کرد. پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ ش، به ایران مهاجرت کرد و در جهت تغییر وضع موجود در عراق و دیگر مناطق اسلامی، ایران را به‌عنوان پایگاه جدیدی برای تحرکات جهادی و فعالیت‌های هدفمند خود برگزید.

آثار و پژوهش‌های وی در زمینه‌های تاریخ و سیره، فقه و اصول، قرآن و تفسیر، بر غنای آثار اسلامی افزود، با نگاهی برگرفته از قرآن و احادیث، به پاسخگویی به بسیاری از مسائل سرنوشت‌ساز جهان اسلام پرداخت.

به گفته وی در کویت حدود ده سال، هر روز به مسجد رفته و ابتدا در قرآن تدبر و سپس به نگارش تفسیر همت گماشته است. نگارش این تفسیر از سال ۱۹۷۸ م در کویت آغاز شد و حدود شش سال و در دو مرحله انجام شد، تفسیر «من هدی القرآن» اولین تفسیر ایشان است، پس از آن تفاسیر دیگری با نام‌های «مقاصد السور»، «البینات» و «من فقه القرآن» را به رشته تحریر در آورد. پس از سقوط صدام و بازگشت به عراق، جلسات شفاهی را - به همان شیوه‌ای که در ایران و کویت برگزار می‌کرد - در کربلا برگزار کرد، سلسله مباحث تفسیری ایشان در شبکه‌های ماهواره‌ای «الحجّة» و «ولایت» و شبکه قرآن ایران و به دو زبان عربی و فارسی پخش می‌شد (سایت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵).

از بررسی زندگی‌نامه - اجتماعی و سیاسی - هر دو مفسر، این گونه بر می‌آید که هر دو اندیشمند، بنا به شرایط به‌وجودآمده در عراق، مجبور به ترک آنجا و استقرار در دیاری دیگر شده‌اند، و با تأثر از زادگاه، محل تحصیل و خاستگاه‌های نوگرایی و نواندیشی دو جامعه ایران و لبنان، و پس از فعالیت‌های اجتماعی در جهت

آگاهی بخشی و اصلاح جامعه، با تأمل در قرآن سعی در نگارش تفسیر خود برآمدند.

معرفی دو تفسیر

از مطالعه مقدمه دو تفسیر، دغدغه مفسر در پاسخگویی به مسائل جامعه، و روزآمد کردن برداشت‌های تفسیری - به نسبت نواندیشی وی - و استخراج نکات کاربردی زندگی روزمره و ... را می‌توان دید، در اینجا پس از معرفی اجمالی هر یک از دو تفسیر به بررسی کلی شیوه هر دو تفسیر می‌پردازیم.

«الکاشف» در هفت جلد جمع‌آوری شده است، و در سال ۱۹۶۸م چاپ نخست آن در دسترس عموم قرار گرفت. این تفسیر با رویکرد تربیتی و با نگاه تقریب‌گرایانه تألیف شده است. در این تفسیر، ذیل بسیاری از آیات، مباحثی با عنوان (اللغة)، (الاعراب)، (المعنی) و (وجه المناسبة) آمده است. در بحث (اللغة) واژه‌های غریب یا کم کاربرد آیه یا آیات را شرح می‌دهد و از تفسیر طبرسی، طبری و رازی بهره می‌گیرد؛ از روایات نیز به‌عنوان مؤید نظریه خویش استفاده می‌کند. در بحث (الاعراب) نقش نحوی برخی از واژه‌های مشکل قرآن را بیان می‌کند و از تفاسیری چون مجمع البیان، کشاف و البحر المحیط ابوحیان نقل قول می‌کند. در بحث معنی نیز برداشت خود از آیه را به‌گونه‌ای چکیده و سودمند طرح می‌کند و بحث‌های تخصصی را با عنوانی جداگانه به بحث و بررسی می‌گذارد.

مرحوم شیخ محمدجواد مغنیه در تفسیر آیات قرآن تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی است و از دسیسه‌ها و جنایات دشمنان اسلام در تحریف قرآن و اسلام سخن می‌گوید. وی در تقریب و وحدت بین مذاهب اسلامی کوشیده و آسیب‌های تعصب مذهبی برای وحدت اسلامی را بیان می‌کند (بهرامی، روش‌شناسی تفسیر «الکاشف»، ۱۳۸۰ ش، چکیده).

دیگر ویژگی‌های ساختاری و محتوایی تفسیر الکاشف: ساده‌نویسی و روان‌نگاری، حذف تفسیرهای برگرفته از روایات جعلی، حذف تفسیرهای غیرعلمی و غیرمستند، حذف تفسیرهای غیرمرتبط با موضوع و ناکارآمد، پرهیز از پُرگویی در مباحث تخصصی، معتبر بودن اسباب نزول یقین‌آور، قائل بودن به نزول تدریجی قرآن و باور نداشتن به نزول دفعی، بهره‌گیری از پرسش و پاسخ میان خود و مخاطبان، بیان قصص قرآنی، بررسی آیات الاحکام (آقا میری، نگاهی به روش تفسیری الکاشف، ۱۳۸۴ ش: چکیده).

تفسیر «من هدی القرآن» در سال ۱۹۸۹م در ۱۸ جلد، پس از یازده سال تلاش به پایان رسید. سبک تفسیر، تربیتی و تحلیلی است، مفسر در این تفسیر ایده‌های اصیل و نوینی درباره زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. در آغاز تفسیر، مقدمه‌ای کوتاه در علوم قرآنی نگاشته است.

طرح مطالب و ورود به تفسیر را با ذکر دسته و مجموعه‌ای از آیات آغاز می‌کند، آن‌گاه پس از شرح پیام کل آن مجموعه، قسمت به قسمت آیات را توضیح می‌دهد. هر قسمت از آیات به موضوعی اختصاص یافته و عنوان‌گذاری شده است. به جنبه‌های تدبیری و عقلی تفسیر تکیه کرده و از خود آیات استنباط شده و به سراغ اقوال دور از ذهن و احتمالات بعید نرفته و یا کمتر رفته است. این تفسیر در استخراج معانی از مجمع البیان طبرسی بهره گرفته و کمتر به بحث‌های فنی و آکادمیک تفاسیر سنتی گرایش پیدا کرده است (خرم‌شاهی،



دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷ ش: ۷۶۶/۱).

این تفسیر، با بهره‌گیری از آیات الهی به واقعیت‌های اجتماعی و تربیتی پل می‌زند. این اثر روش ویژه‌ای را در تفسیر قرآن کریم و تدبیر در آیات آن ارائه می‌کند که چگونگی تعامل با وضعیت اجتماعی را از آن برمی‌گیرد. نویسنده همچنین در این تفسیر سعی کرده از مطرح ساختن مسائل پیچیده‌ای که شرایط نهضت اسلامی هیچ نیازی بدان ندارد، فاصله بگیرد. همین امر ویژگی خاصی به این تفسیر داده که آن را از دیگر تفاسیر متمایز می‌سازد. این تفسیر، در ایران به زبان فارسی و با نام «تفسیر هدایت» در سال ۱۹۹۸ م (۱۳۷۷ هـ.ش) توسط آقای حمیدرضا آژیر ترجمه شد.

با توجه به بررسی اجمالی به لحاظ رویکرد اصلاحی - تربیتی، تفسیر «من هدی القرآن» نسبت به تفسیر «الکاشف» برداشت‌های آزاد بدون ذکر گفته‌های پیشنهادی آورده است، درحالی‌که مرحوم مغنیه پابندی بیشتری نسبت به پیشنهادی و گفته‌های ایشان دارد.

ارزیابی تفاسیر با مبانی تفسیر اجتماعی

اختلاف نظر در جمع‌بندی مبانی تفسیر قرآن با رویکرد اجتماعی، - با توجه به نوظهور بودن آن - امری طبیعی است، ازاین‌رو هر کس به فراخور علم و تتبع موضوع، آنها را در قالبی جمع‌آوری کرده، و مبانی برای آن برمی‌شمارد. ما برای ارزیابی تفاسیر اجتماعی، پس از بررسی منابع و خوانش آراء، مقاله خانم شادی نفیسی با عنوان تفسیر اجتماعی چالش در تعریف و مبانی را استوارتر و تا حدودی جمع‌بندی شده آرا یافتیم، با توجه به ویژگی و خصوصیتی که ایشان در مقاله آورده‌اند، در اینجا به ارزیابی دو تفسیر می‌پردازیم.

تحقق اصلاح و هدایت در گرو اصلاح فرد، مقدم بر جامعه (عبدالمجید ابراهیم، التعلیم الاجتماعی فی الفكر الاسلامی الحدیث، ۱۴۳۲ ق: ۱۷۰-۱۷۴؛ المحتسب، اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث، ۱۳۹۳ ق: ۱۶۸؛ پاکتجی، تاریخ تفسیر قرآن، ۲۰۰۸ م: ۲۲۷). و آن هم در گستره بسیار وسیع، اعتقادی، اجتماعی (اخلاقی و اقتصادی) و سیاسی است (الشدی، الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر فی العصر الحدیث، ۱۴۳۱ ق: ۱۱۷-۱۲۳). بنابراین تفسیر اجتماعی، تفسیری است که «در خدمات اصلاحات اجتماعی» (پاکتجی، تاریخ تفسیر قرآن، ۲۰۰۸ م: ۲۲۲)، با اثبات «توانمندی اسلام در تأمین سعادت دنیوی - یعنی اداره شایسته جامعه - در کنار سعادت اخروی» می‌داند. با این توضیح باید گفت، در این تعریف جهت‌گیری مفسر نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند (مدبر، بررسی گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن، ۲۰۱۰ م: ۱۸۹)، عموم مفسران اجتماعی برای تحقق این هدف - اثبات توانمندی اسلام ... - توجه به این دو رکن را ضروری می‌دانند:

۱. پیراستن چهره اسلام از شبهات و تردیدها.

۲. اثبات توانایی قرآن در پاسخ‌گویی به اقتضائات زمان.

این دو ویژگی را می‌توان نمودی از جمع‌بندی ویژگی‌های مطرح‌شده دانست. البته باید توجه داشت که تحقق این اهداف در تفسیر قرآن با باور به عقل و بهره‌گیری از آن در تفسیر امکان‌پذیر است. مفسری می‌تواند به زبان امروز دامن اسلام را از اتهامات بپیراید، و به پیام‌گیری از آیات و تطبیق آن با مسائل روز بپردازد که به

توانمندی عقل، در فهم آیات باور داشته باشد، و از تقلید بپرهیزد و حرفی نو، متناسب با نیازهای روز ارائه دهد و باب اجتهاد را در این زمینه‌ها باز ببیند. از این رو می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که عقل‌گرایی، پرهیز از تقلید، بازبودن باب اجتهاد در این رویکرد (تفسیر اجتماعی) مورد تأکید قرار گرفته و نمود آن را به نحو چشمگیری در کل ویژگی‌های این رویکرد می‌توان یافت (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۴۹/۲؛ معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبة القشيب، ۲۰۰۱ م: ۴۸۲/۲؛ شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۳۴۲-۳۳۲؛ الرومی، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ۱۴۰۷ ق: ۷۴۳/۲-۷۲۸؛ الجمال، اتجاهات الفكر الاسلامی المعاصر فی مصر فی النصف الاول من القرن الرابع عشر الهجری، ۱۴۱۴ ق: ۱/ ۲۶۳-۲۶۱؛ الشّدی، الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر فی العصر الحديث، ۱۴۳۱: ۱۰۹-۱۰۲؛ المحتسب، اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث، ۱۳۹۳: ۱۴۸-۱۴۲؛ عبد الحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۳-۲۲۳؛ نفیسی، تفسیر اجتماعی قرآن: چالش تعریف و ویژگی‌ها، ۱۳۹۳: ۴۹).

۱. پیراستن چهره اسلام از شبهات و تردیدها

این ویژگی با تعابیر مختلفی مانند: پاسخگویی به شبهات، رد بدعت‌ها، مقابله با تهاجم فکری، از آن یاد شده است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۴۹/۲؛ عباس، المفسرون: مدارسهم و مناهجهم، ۱۴۲۷ ق: ۴۶-۴۰؛ الرومی، منهاج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، ۱۴۰۱ ق: ۳۹۹-۳۹۲؛ عبد الحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۲ مورد ۸).

چهار عرصه «یافته‌های علمی، آیات الأحکام و فقه، روایات تفسیری و امور خارق العاده - ماوراء الطبیعة - مهم‌ترین عرصه‌های نقد اسلام - توسط مخالفان و مغرضان - در دوره معاصر تلقی می‌شوند و پاسخگویی به آنها را می‌توان شاخص‌ترین ویژگی تفسیر اجتماعی تلقی کرد. ما به اختصار به این حیطه‌ها می‌پردازیم.

یک. پرداختن به تفسیر علمی

ادعای ناسازگاری دین و قرآن با علم از جمله شبهاتی است که در ابتدای قرن چهاردهم، توسط شیفتگان علم که در پی سنجش مسائل متافیزیکی با ابزارهای علمی و در بوته آزمایشگاه بودند، به نقد کشیده شد. مفسر اجتماعی در برابر این نقد می‌کوشد تا آن را به چالش کشد و ثابت کند، نه تنها اسلام مشوق علم‌اندوزی است (شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۳۶۷-۳۷۵)؛ بلکه فراتر از آن، آموزه‌های اسلام کاملاً با یافته‌های علمی سازگار است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۴۹/۲ و ۵۶۷؛ الرومی، منهاج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، ۱۴۰۱ ق: ۲۶۰/۱ و ۲۸۴؛ معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبة القشيب، ۲۰۰۱ م: ۴۴۳/۲).

مرحوم مغنیه از این ره‌آورد، گاه سختگیرانه، علم را به کناری می‌نهد و از پیروی و الگوبرداری از علوم طبیعی امتناع می‌ورزد، و گاه همراه با یافته‌های علمی به شرح و تفسیر آیه می‌پردازد. ایشان در رد آنان که می‌خواهند برای همه آیات، تفسیری علمی بتراشند و قرآن را با علم روز گره بزنند،



هدف قرآن را یادآور شده، می نویسد: قرآن، کتاب دین، اخلاق، عقیده و شریعت است و اگر در آیات قرآن، آیاتی درباره جهان هستی آمده، مقصود خداوند از این آیات ارائه حقایق علمی نیست؛ بلکه هدف آن است که ما با تأمل در جهان هستی و نظام حاکم بر آن به وجود خدای سبحان هدایت شویم و پی ببریم که هیچ موجودی از موجودات به طور تصادفی و بدون قصد - چنان که ماده گرایان می گویند - آفریده نشده است (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۳۸/۱). به علاوه اینکه ایشان دو اشکال را در استنباط فرضیه های علمی برای تفسیر و تبیین قرآن مطرح می کند: ۱. دانش بشر محدود به اندیشه محدود اوست؛ اما قرآن که خاستگاه علم نامحدود الهی است، نمی توان آن را میان محدود و نامحدود گردآورد. ۲. علم انسان مجموعه ای است از فرضیه ها و نظریه های درست و نادرست و در عین حال خطاپذیر. در زمانی فرضیه ای قطعی و یقینی و در زمانی دیگر، همان نظریه، خرافی نامیده می شود. بنابراین چگونه می توان میان آنچه خطاپذیر است با قرآنی که خطاناپذیر است جمع کرد (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱۱۴/۱-۱۱۳).

بی تردید علوم طبیعی امروزه با زندگی بشر عجین شده و قابل تفکیک نیست، از این رو ایشان بهره گیری از علوم طبیعی در تفسیر را با شرطی معقول می پذیرد: با این تعبیر که اشکالی ندارد ما از حقایق کشف شده علمی، برای درک برخی از آیات کمک بگیریم، ولی مشروط به اینکه این حقایق را معیار راستی و درستی آیات قرآن قرار ندهیم؛ بلکه از آنها به عنوان ابزاری برای شناخت حکمت برخی از احکام و اسرار آنها بهره گیریم (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۴۰/۱-۴۱).

سید محمد تقی مدرسی در زمینه تفسیر آیات مرتبط با مسائل علمی، تلاش می کند آنها را با زندگی روزمره و واقعیت زندگی گره زند. وی در تفسیر آیه: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره/ ۱۶۴) می گوید: اینکه این آیات ما را تنها به خدای یکتا فرا می خواند، و این فراخوان، ریشه در فطرت انسان دارد و از او می خواهد به کسی که با او مهربان است؛ یعنی خداوند، عشق بورزد، و سخاوتمندتر از خدا نسبت به ما کیست؟ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» با این عظمت و دقت و زیبایی «وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» که نشانه های رحمت و حکمت و قدرت اوست «وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ» تا کالاهای خود را حمل و نقل کنند. «وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» چگونگی نظم حیات در چرخه آب - آب بخار می شود، به ابر تبدیل شده و توسط بادهای به حرکت در می آیند، در مکانی که نیاز است به صورت باران می بارد، آبی گوارا برای کاشت و داشت، و همه آنچه که نیاز زمین است، در بر دارد - «وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ» همه موجودات زنده، از مورچه و کوچک تر از آن، و فیل و بزرگ تر از آن، از پرند و چرند و ماهی ها، همه را به سوی روزی و سود اندوزی، راهنمایی کرده، و هر کدام را هدفی، و وسایل و اسبابی برای رسیدن به آن فراهم آورده است، «وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و این نشانه ها برای کسانی است که نیروی تعقل و اندیشه خود را بکار گیرند و در رحمت و گستره و قدرت او نگرند، درمی یابند که

خدای توانا، تنها شایسته مهر و اطاعت و عبادت است، و نشاید که جز او را ولی و مولا گرفت (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۲۹۹/۱-۳۰۰).

از بررسی دو تفسیر این گونه برمی آید که مرحوم مغنیه به برداشت های مغرضانه و گاه نابخردانه معاصر خویش بیشتر واکنش نشان می دهد، و آقای مدرسی توجه چندانی به گفته های ناقدان و مغرضان ندارد و بیشتر به تفسیر آیه، می پردازد.

دو. توجه به فلسفه احکام

مسائل فقهی جزو عرصه های پرچالشی است که پیشروی مفسران اجتماعی قرار دارد؛ مفسر اجتماعی، صرف نظر از فلسفه احکام و بررسی ادله آن، لاجرم به آیات فقهی ورود می کند. وی در این موقعیت ها، بر خلاف مفسر فقهی، از دو منظر به این موضوع می پردازد؛ از یک سو ارتباط این احکام با گذشته و نقد اثربخش نبودن آن ها در دوران جدید، یا تعارضشان با عدالت و مساوات، و از سوی دیگر توجیه یا اثبات اینکه، این احکام راه گشای مشکلات حاضر است. در این فضا، مفسر اجتماعی بیشتر به فلسفه احکامی می پردازد که در عصر وی چالش هایی را برانگیخته است.

مرحوم مغنیه در تفسیر خود متعرض برخی احکام فقهی می شود؛ مانند: احکام مساجد (ذیل آیه: ۱۱۴/بقره)، التجاء الجانی الی الحرم (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱۶۸/۱؛ ذیل آیات: ۱۲۶-۱۲۵/بقره)، و ضمن آن به اختصار به گفته های اهل سنت نیز می پردازد. بحث تقلید و اجتهاد (ذیل آیات: ۱۷۰-۱۶۵/بقره) را به طور نسبتاً مفصل مطرح می کند. در مواردی که به نظر وی ذهن مخاطبان را به خود مشغول کرده است، تفصیل بیشتری می دهد؛ مانند موضوع زن و مرد در شریعت اسلامی (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۲۵۶/۱). و گاه فلسفه حکم را بیان می کند، در باب شرب خمر و آیه «وَأُولَئِكَ أَكْبَرُ مِنْ نَفَعِهِمَا» (بقره/۲۱) این گونه می نویسد: مراد از گناه «اثم» در اینجا آسیب است، آسیب های الکلی در بدن، روان و پول و غفلت از یاد خدا و در مشاجره، دعوا و مرافعه و اباحه گری و ... ظاهر می شود. یک پزشک مشهور آلمانی در این باره می گوید: نیمی از میخانه ها را ببندید، من به شما تضمین می دهم که نیمی از بیمارستان ها، کلینیک ها و زندان ها بسته خواهند شد. و قمار نیز، خصومت و نفرت را به وجود می آورد، و از یاد خدا باز می دارد، همان طور که در آیه شریفه ذکر شده است. با عادت به تبلی، طلب رزق و روزی از راه های واهی، و ... اخلاق فاسد می شود (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۳۲۹/۱-۳۳۰، و همچنین ر.ک. سبب تحریم الربا، همان: ۴۳۴/۱).

مدرسی در مباحث و آیات فقهی، بیشتر سعی در استخراج پیامدها و مسائل اجتماعی مترتب بر احکام دارد، مثلاً در تفسیر آیه اول سوره مائده چنین آورده است: این حکم برای تنظیم زندگی اجتماعی بر مبنای وفای به عهد اختصاص یافته، چرا که ارتباط و همکاری بین افراد در تجارت و معاشرت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی براساس وفای به پیمان استوار است (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۲۸۷/۲-۲۸۸)، ایشان به اختصار و در حد آیه، متعرض احکام می شود و بدون تعصب یا تعرض به مذاهب دیگر به دیدگاه شیعه در این احکام، بسنده می کند، به عنوان نمونه در بحث آیه ۶ سوره مائده، با بیانی ساده و شیوا، شیوه وضو گرفتن و



شستن دست‌ها از بالا به پایین را تبیین و اثبات می‌نماید (همان: ۳۰۷/۲). در این میان به فلسفه احکام و مسائل رایج روز، مانند فلسفه روزه (ذیل آیه: ۱۷۸/ بقره و یا آیه ۱۸۳/ بقره) و حکم آن اشاراتی دارد (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۳۰۴/۱) و شبهات مطرح معاصر را بدون بیان صورت مسئله، پاسخ می‌دهد.

سه. پالایش روایات تفسیری

روایات در همه دوران‌های تاریخی، منبع و جایگاهی بلند در تفسیر آیات و بیان مفاهیم اسلامی داشته و دارند، برخی مفسران به دقت نظر و تأملشان در روبه‌رو شدن با این نوع روایات، به ویژه اسرائیلیات، شناخته می‌شوند (به عنوان نمونه: رک: قاسمی، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن، ۲۰۰۱ م: ۲۰۷ - ۲۰۸). با وجود این، نقد کلی این روایات و منع گزارش جمله آن‌ها، به سادگی امکان‌پذیر نیست. مفسران اجتماعی، از پیشگامان نقد روایات تفسیری با بررسی سند و متن و تطابق آن با قرآن، بوده‌اند و سعی داشتند تا با حذف و یا تعلیل روایاتی که چهره دین را خشن، خرافی و نامعقول می‌نمایاند، بپیرایند (معرفت، التفسیر الأثری الجامع، ۲۰۰۸ م: ۲۴۷/۱).

مرحوم مغنیه در تفسیر خود بیشتر به روایت پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند و دلیل آن را این گونه بیان می‌کند: در تفسیر و تبیین معنای آیه، بیش از هر چیز باید از احادیث نبوی صحیح بهره برد؛ چراکه «وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ. وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۷) و در پذیرش روایات - مانند دیگر مفسران - اسرائیلیات را رد کرده و آنها را خرافه و اساطیر می‌داند، و به روایات اسباب نزول نیز کمتر پرداخته است و دلیل آن را نپرداختن اندیشمندان به صحت سند و یا ضعف آن می‌داند (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱۵۱-۱۶).

مؤلف تفسیر من هدی القرآن توجه چندانی به روایات ندارد، حتی در آیاتی که روایات بسیاری در ذیل آنها آمده و گاه فهم آن و استنباط حکم به روایت بستگی دارد؛ مانند آیه ولایت در سوره مائده، ایشان بدون ذکر روایتی، آیه را این چنین تفسیر می‌کند: ولایت خداوند در در دنیا با رهبری پیامبر و ائمه اطهار و زاهدان نیک رفتار و... والذین آمنوا، متجسد می‌شود، و همانان الگو و ایدئال رسالت جامعه هستند و همه در برقراری نظم و چارچوب‌های اجتماعی به آنان رجوع می‌کنند، از مرزهایشان فراتر نمی‌روند، و این ولایت با آن راهبری، حزب الله را تشکیل می‌دهد (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۴۰۸/۲).

در برخورد با روایات مرحوم مغنیه دغدغه تنقیح روایات و گزینش صحیح آن را دارد، و آقای مدرسی بدون ذکر روایت به تفسیر می‌پردازد، بیشتر مخاطب را با مفهوم آیه درگیر کرده و الگویی عینی از آیه با توجه به مصداق اولیه آن ارائه می‌دهد.

چهار. تأویل آیات مربوط به پدیده‌های خارق‌العاده

پدیده‌های خارق‌العاده متافیزیکی، مانند معجزه‌ها و عذاب‌های الهی و پدیده‌های غیبی، مثل فرشتگان و جنیان، همگی در شمار موضوعاتی هستند که در عقل علمی - مادی آدمی، گونه‌ای خرافات به نظر می‌رسند (رک: نفیسی، عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، ۲۰۰۶ م: ۱۰۳ و ۱۰۴). در همین راستا برخی مفسران

اجتماعی به‌ویژه پیشینیان کوشیده‌اند، در چارچوب مبارزه با خرافات، از پذیرش ظاهر آیاتی که بر پدیده‌های خارق‌العاده تمرکز دارند، تا حد توان خودداری کنند. آنان این نوع آیات را به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که با پیدایش معمولی پدیده‌ها تطابق داشته باشد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۲۰۰۶ م: ۳۴۹/۲ بند دهم؛ عبدالحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۴؛ ر.ک: رشیدرضا، المنار، بی‌تا: ۲۶۸/۱ و ۲۶۷ و ۲۷۰-۲۶۹ و ۳۱۹/۷؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۸۶/۲؛ طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۹۸۳ م: ۱۱۶/۱؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۶۹/۲ و ۵۸۵؛ اسعدی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ۲۰۱۳ م: ۴۴۲/۲-۴۴۶؛ عباس، المفسرون: مدارسهم و مناهجهم، ۱۴۲۷ ق: ۶۸-۸۶؛ مراغی، تفسیر المراغی، ۲۰۱۵ م: ۲۶۶-۲۷۲؛ شیوا، نواندیشی در پرتو قرآن، ۲۰۰۹ م: ۳۳ و ۳۴؛ جمال، اتجاهات الفکر الاسلامی المعاصر فی مصر فی النصف الاول من القرن الرابع عشر الهجری، ۱۴۱۴ ق: ۲۷۲/۱-۲۸۰ و ۲۸۷/۱-۲۹۵).

مفسران معاصر شیعه کمتر به چنین تأویلاتی برای اقناع منکران و متربالست‌ها و سوسیالیست‌ها اهتمام داشته‌اند. در این مورد آنان، همچون علمای پیش از خود، به متافیزیک باورمندند و آن را معتبر می‌دانند. مفسران معاصر اهمت‌امی به توجیه این مسائل ندارند و آن‌ها را از جمله امور فراطبیعی (متافیزیکی) می‌دانند و معتقدند می‌بایست به‌جای غوطه‌ور شدن در تأویلات بی‌فایده آیات، مفهوم هدایتی آن‌ها برداشت شود.

مؤلف «الکاشف» درباره پدیده‌های ماوراءالطبیعه چنین می‌گوید: چیزهایی وجود دارد که نمی‌توان آنها را از طریق حس، تجربه و قدرت ذهنی شناخت، از جمله: فرشتگان، شیطان، حساب قبر، بهشت و جهنم، مار کردن عصا، زنده شدن مردگان و معجزه پیامبران که چشم آن را نمی‌بیند و عقل بشر از درک آن عاجز است و مفهوم آن غیب است و ایمان به غیب جزئی از اسلام (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۴۴/۱).

ایشان معتقد است که این قبیل آیات مطلقاً با علم تجربی و متعارف قابل تفسیر نیست، چون با پارامترهای علمی قابل درک نیستند، و چون خارج از درک حقیقی آن‌ها هستیم، جز با بیان اعجاز نمی‌توان آنها را تفسیر کرد (همان: ۱۱۳/۱؛ ر.ک. همان: ۱۶۵/۱ ذیل آیه ۱۰۲/بقره).

مدرسی بر اساس مبنایی که در پیش گرفته «اصلاحی- هدایتی»، مفهوم هدایتی از آیه استخراج می‌کند، و خود را مانند بسیاری از مفسرین مشغول نقل و مناقشه روایات، نمی‌کند، اوضاع را به‌گونه‌ای می‌بیند که گویی آن را زندگی کرده است؛ و آن را با طناب هدایت و توحید به هم متصل می‌کند، مثلاً در تفسیر آیه: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ» ابتدا با این تعبیر به برداشت هدایتی آیات می‌پردازد: بعد از مرحله قدرت، مرحله ضعف در بنی اسرائیل به وجود آمد، پس از آن به نژادپرستی و خرافه‌پرستی که در سحر و جادوگری نمایان بود، روی آوردند، و سپس مرحله تعصب در دین پیش آمد و با گفتن «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ» (بقره/۸۸)؛ از دستورات خدا، سنت‌های تاریخ و تجارب مردم دور شدند، و مغرور به حقیقت، به ورطه سحر و جادو سقوط کردند. قرآن حکیم مختصراً به این مرحله پرداخته و دلیل تمسک آنان به جادو را ترک کتاب بیان می‌کند؛ زیرا هر کسی تفسیر درستی از زندگی و دیدگاه علمی درباره اهداف خود، نداشته باشد، مجبور به کاوش در متافیزیک و



دیدگاه‌های باطل می‌شود و به دنبال آن به ورطه خرافه خواهد افتاد. قرآن پابندی به کتاب را برای آنها بهتر از روی آوری به جادو بیان می‌کند (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۲۱۶/۱-۲۱۷). و سپس به تفسیر آیه می‌پردازد.

با توجه به بررسی انجام شده در دو تفسیر این گونه برمی‌آید که هر دو به گونه‌ای مخالف تفسیر آیات متافیزیکی با علم و فیزیک هستند؛ اما هر کدام روش خاصی را در بهره‌گیری از مفهوم آیه و اتصال آن با مفهوم توحیدی حاکم بر قرآن ارائه می‌دهند.

۲. اثبات توانایی قرآن بر پاسخ‌گویی به اقتضائات زمان

مفسر اجتماعی در نگرش خود به قرآن، آن را کتابی برای زندگی می‌داند که باید خوانده و فهمیده شود و به آن عمل گردد تا زندگی دنیایشان اصلاح شود. قرآن کتابی الهام‌بخش برای بشریت در عصر حاضر است؛ همچنان که هزار و پانصد سال پیش چنین بوده است. بر این اساس مفسر اجتماعی اهتمام خود را بر دو رکن متمرکز می‌سازد: اعجاز و پیام‌های الهام برگرفته از آیات.

در اینجا با بررسی دیدگاه دو مفسر در دو مقوله توجه به اعجاز و جری و تطبیق آیات بر نیازهای جامعه، و میزان پابندی هر یک از آن دو به ویژگی‌های تفسیر اجتماعی در بوته ارزیابی قرار می‌دهیم.

یک. اهتمام به اعجاز

موضوع اعجاز، همواره در مقام تحدی و اسکات منکر و خصم، قد برمی‌افراشت تا حقانیت دین را به اثبات برساند، در عصر حاضر نه تنها وجود ادیان و گسترش افکار آنان، که بی‌دینی و رنالیسم و آتئیسم، ضرورت پرداختن به جنبه‌های اعجاز (عددی و علمی و ادبی و...) را دو چندان می‌کند، از این رو مفسر گرایش اجتماعی (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۴۹/۲؛ شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۲۶۷)، سعی در بیان جنبه‌های مختلف اعجاز برای عموم مخاطبان دارد. و بر این اساس، می‌کوشد با نمایاندن جنبه ادبی و بلاغی و پرداختن به اعجاز بیانی، قرآن را برای مخاطب امروزی، فهم‌پذیر کند (شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۵۴۷ و ۵۵۳ و ۵۵۴؛ خالدی، المنهج الحنکی فی ظلال القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۳۷۰-۳۸۵). و یا بر تأثیر موسیقی قرآن در تثبیت مفاهیمش تأکید می‌کند (به عنوان نمونه: طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۹۸۳ م: ۲۳۳/۴، ۲۳۳ و ۲۱۱/۳؛ این نوع تحلیل در سوره‌های جزء آخر قرآن آمده است). در تفسیر آیات آفاقی از نظریات علمی به دست آمده بهره جسته است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۴۹/۲؛ المحتسب، اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث، ۱۳۹۳ ق: ۱۲۹-۱۳۰؛ شریعتی، تفسیر نوین (جزء سی ام قرآن)، بی تا: ۷۰-۴۲) و اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند (شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۳۲۲-۳۲۳؛ شریعتی، تفسیر نوین (جزء سی ام قرآن)، بی تا: ۶۶ و ۶۷؛ ر.ک: طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۹۸۳ م: ۳۳۵/۳ و ۳۲۵-۳۲۸، ۲۲۲ و ۲۲۳؛ طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۹۸۳ م: ۱۱۰/۱ و ۱۱۰/۴)؛ اعجازی که قابل فهم برای همه افراد جامعه، به ویژه قشر تحصیل کرده است. در

عموم تفاسیر اجتماعی، اعجاز به طور جدی مورد توجه قرار دارد.

مرحوم مغنیه چون دیگر اندیشمندان مسلمان، اعجاز قرآن را در همه ابعاد آن، وسیله‌ای برای هم‌آورد طلبی و یا اسکات ناباوران مدعی می‌داند، و در تفسیر آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا» (بقره/۲۳) می‌گوید: مقصود از این آیه هم‌آورد طلبی آنانی است که در گفتار و کلام زبان‌آور بودند، از آنان می‌خواهد که مانند آن کلام بیاورند، میزان و حجم آن را به اختیار آنان وانهاده که کتابی، ده سوره و یا یک سوره، بدون در نظر گرفتن مفاهیم بلند اخلاقی و تشریعی و اخبار غیبی و ... بیاورند، و به ظاهر اگر قرآن خالی از معارف باشد، برای هرکس، آوردن چون آن، آسان می‌نماید؛ اما قرآن عجز آنان را با استمداد از آسمان و زمین و هرآنچه در آن است، به رخ می‌کشد، و با این بیان عجز آنان را اثبات می‌کند، درحالی‌که برای آنان آسان می‌نمود (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱/ ۶۴-۶۵).

آقای مدرسی در این گونه موارد با بیان چند سؤال به موضوع می‌پردازد که چرا عرب جاهلی که در قله ادب، فصاحت و بلاغت بود نتوانست حتی سوره‌ای در قیاس کوچک‌ترین سوره‌های قرآن بیاورد؟ آیا این سرّ، در اعجاز بودن قرآن نهفته است؟ آیا هم‌آوردی آن برای تمام بشر در عصور مختلف است؟ با این سؤالات مدرسی به سراغ پاسخ و بیان حقایق نهفته در اعجاز می‌رود و می‌گوید: نخست: قرآن کریم کتاب علم و معرفت است، و قرآن جز حق و صدق و درستی نمی‌گوید «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/۴۲) و طبیعی است که علم و معرفت و گنجینه‌های قرآنی بر جهل جاهلان پوشیده بماند؛ چراکه علم نور است و جهل تاریکی، و نور تاریکی را می‌زداید و همین امر باعث جذب و شیفستگی جاهلان در آن مدت کوتاه شد. دوم: قرآن کتابی است که به بشریت اندیشه و حکمت را به ارمغان می‌آورد و تمسک به تعالیم و آموزه‌های آن زندگی خوشایندی در دنیا را برای او رقم می‌زند کما اینکه انگیزه تقرب به خدا را در او زنده نگه می‌دارد، ازجمله این آموزه‌ها می‌توان عبارت «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف/۳۱) را که به خوردن و آشامیدن و حفظ تعادل در آن اشاره می‌کند و با عبارتی کوتاه اصل و مبنایی ژرف و مورد پذیرش عقل عاقلان بیان می‌کند. و یا در چارچوب ارتباط اجتماعی، مردم را امر به میانه‌روی و اعتدال دعوت می‌کند «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائدة/۸)؛ و عدل همان سوپاپ امنیت در طبیعت ارتباطات بین افراد بشر در تمام جوامع است، و از این دست آموزه‌ها در قرآن بسیارند که فهم و پیروی از آنها اصول و چارچوب‌های زندگی رضایت‌مند را برایمان به ارمغان خواهد آورد. و سوم عنوان و نام این کتاب است که خود تعبیری ژرف را در خود نهان نموده است (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۱/ ۴۴-۴۵).

مرحوم مغنیه در مقوله اعجاز سعی در اثبات عجز بشر از هم‌آوردی در طی عصور داشته، ولی آقای مدرسی ابعاد اعجاز را ملموس و قابل فهم مخاطب کرده، تلاش دارد که با سادگی و با طرح سؤال و جواب او را اقناع کند.

دو. جری و تطبیق آیات قرآن بر نیازهای روز

زندگی ما نیازمند قانونی اساسی است که به حقوق جمعی اهمیت بدهد و جامعه انسانی را به امنیت و



صلاح و خوشبختی رهنمون شود، مسلمانان قرآن را در مرکز زندگی روزانه خویش، حاضر ببینند؛ قرآنی را ببینند که قوانین زندگی شان در آن است و کتاب عمل آن هاست. بی شک آیات قرآن دربردارنده پیام و کلامی است که بیرون از مشکلات و مسائل روزمره مردم نیست (رک: صدر، المدرسة القرآنية، ۲۰۱۳ م: ۱۰۶-۱۱۴). از همین رو برخی متفکران معاصر معتقدند، دلیل عقب ماندگی مسلمانان و اختلافاتشان، دوری ایشان از قرآن، یا نداشتن فهم درست از قرآن و آیات آن است. مفسر اجتماعی از این خاستگاه به کاربرد قرآن و تطبیق آیاتش با شرایط جامعه و نیازهای روز می پردازد. با وجود آنکه کوشش های او در رساندن پیام آیات، همه جنبه های ایدئولوژی و عملی اصلاح جامعه (عقاید، اخلاق، سیاست، اقتصاد و...) را دربرمی گیرد؛ اما اصلاح جامعه مهم ترین دغدغه مفسر اجتماعی است. تا آنجا که می توان نشانه های آن را در پیام های الهام گرفته از آیات اجتماعی، و حتی فراتر از آن، در پیام های برگرفته از تمام آیات که شامل داستان های قرآنی نیز است، مشاهده کرد.

در این میان اندیشمندان سعی دارند تا در خوانشی جدید از قرآن، برای مخاطبان ارائه کنند، گاه قرآن را «رسالت و دعوت» (فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹ ق: ۲۵/۱). و گاه «کتاب عمل» (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱۰۱۲/۲ و ۱۰۱۳ و فراتر از آن؛ خالدی، المنهج الحنکی فی ظلال القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۳۳-۴۴) معرفی می کنند و مخاطبان را در به کارگیری آموزه های آن ترغیب می کنند.

مسائل اجتماعی، یکی از مهم ترین دل مشغولی های مفسر اجتماعی است، آیات اجتماعی قرآن بهترین و مناسب ترین موقعیت برای پردازش و بررسی آیات اجتماعی است؛ هرچند این دغدغه تنها به مفسران اجتماعی اختصاص ندارد؛ اما مفسر اجتماعی بر این آیات تأکید بیشتری دارد و به مطابقت این موارد با شرایط زمانه اش می پردازد. از جمله آیات اجتماعی آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ حَتَّى يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ...» (رعد/۱۱)؛ که از ابتدای شکل گیری این جریان تفسیری، بسیار به آن استشهاد شده است (عبدالحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۲ بند ۷؛ رومی، منهاج المدرسة العقلية، ۱۴۰۱: ۳۸۳/۱-۴۰۱؛ اسعدی، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ۲۰۱۳ م: ۴۳۴/۲؛ برای مطالعه بیشتر. ر.ک: عبدالحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۲۱۱؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۵۵/۲-۵۶۳/۲ تا ۵۶۷؛ شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۴۴۳-۳۶۶-۴۲۴-۴۰۱؛ عباس، المفسرون: مدارسهم و مناهجهم، ۱۴۲۷ ق: ۳۶؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۲۰۶۶ م: ۳۴۹/۲ بند ۲ و ۱۱؛ برای نمونه های از موضوعات اجتماعی: ر.ک: ایازی، اندیشه اجتماعی در تفسیر المیزان، ۱۳۸۱ ش، ۱۱۰-۱۱۴؛ خوش منش، تفسیر آیت الله طالقانی: خطابی فرهیخته و قرآنی، ۲۰۰۸ م: ۷۰-۷۲؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۹۹۶ م: ۵۹۱/۲-۶۰۶؛ مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۴۰/۱ مقدمه؛ صدر، المدرسة القرآنية، ۲۰۱۳ م: ۹۸-۱۱۵-۱۲۰؛ الشّدی، الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر فی العصر الحديث، ۱۴۳۱: ۱۳؛ شریف، اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ۱۴۰۲ ق: ۱۷۳-۲۴۸؛ رومی، منهاج المدرسة العقلية، ۱۴۰۱: ۷۷۶/۲-۷۷۸/۲ و ۷۷۹؛ طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۹۸۳ م: مقدمه و

۳۰/۵ پاورقی و ۴، ۴۸؛ مکارم شیرازی، التفسیر الأمثل، ۱۹۷۴ م: ۲۳/۱؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱۳/۱؛ مراغی، تفسیر المراغی، ۲۰۱۵ م: ۱۳/۱؛ صالح، التفسیر و المفسرون فی العصرالحديث، ۱۴۲۴ ق: ۳۱۱؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۹۱/۴-۱۳۳. رشیدرضا، المنار، بی تا: ۱/۳۹۹؛ سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱۹۴۳/۴-۱۰۴۲/۲-۵۵/۱-۱۲۴۵/۳؛ خالدی، المنهج الحنکی فی ظلال القرآن، ۱۴۲۱ ق: ۴۲۸ تا ۴۳۴؛ عباس، المفسرون: مدارسهم و مناهجهم، ۱۴۲۷ ق: ۳۶۸ و ۳۶۹. هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۹۹۴ م: ۱۸۷/۲-۱۹۲ و ۴۹۷/۲-۴۹۹ و ۳۲۵-۳۲۲؛ رضایی اصفهانی، تفسیر مهر، بی تا: ۱۵۵/۲؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، ۱۴۱۱ ق: ۴۶/۳-۴۸؛ قرآنی، تفسیر نور، ۲۰۱۱ م: ۸۸/۱ و ۸۹؛ اسعدی، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ۲۰۱۳ م: ۲۰۱۳ تا ۴۴۶/۲ (۴۵۶).

مرحوم مغنیه در مقدمه تفسیر خود مشکلات و معضلات جامعه و نسل جدید را در دوری از آموزه های دینی و اخلاقی می داند، و راه حل آن را بازگشت به نوع دعوت پیامبر و پیروی از روش ایشان می یابد، و شش دلیل را در بازگشت به قرآن بیان می کند و در نهایت ایمان و پابندی به آموزه ها را شرط اساسی رسیدن به مقاصد قرآن می داند در ذیل آیه: «اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحْیِیْكُمْ» (أنفال/۲۴)؛ می گوید: و این خود شاهد بر این مدعاست که پیروی از پیامبر را باعث احیاء و شکفتگی در زندگی بیان می کند (مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ ق: ۱۱/۱-۱۲). و نظر خود را درباره قرآن این گونه بیان می کند که قرآن کتاب دین و هدایت و اصلاح و تشریع است که هدف آن معنادار کردن زندگی بشر بر مبنای اصول و موازین درستی است که به امنیت و اعتدال و عدل رهنمون می شود و او را در آسایش و رفاه و آرامش غوطه ور می سازد (همان: ۱۳/۱).

سید محمد تقی مدرسی، قرآن را بیش از آنکه کتابی علمی ببیند، کتابی قانون گذار و با دغدغه حل نیازهای بشریت می داند. وی در تفسیرش به بیان موضوعاتی (روایت، کلام، فلسفه، علم و...) که مفسران از دیرباز تاکنون به آن اهتمام ورزیده اند، نمی پردازد؛ بلکه قرآن را کتاب هدایت می داند. بنابراین از هر آیه جنبه هدایتی آن را استنباط می کند و آن را به زندگی بشر گره می زند.

با نگاهی گذرا به تفسیر ایشان، مسائل و پرسشگری های بسیاری که جامعه نیازمند پاسخگویی و حل آن است را در چارچوب تفسیر قرآن و با سعی در پیوند آن به اصول و مبانی زندگی روزمره می یابیم. مسائلی چون: دگماتیس (مدرسی، من هدی القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۴۴/۱-۴۵)، خودبانی اجتماعی (همان: ۱۹۹/۱)، بایسته های روابط زناشویی (همان: ۳۸۱/۱)، خانواده (همان: ۳۹۳/۱)، تنظیم بهینه خانواده (همان: ۱۳/۲)، زن و جامعه - حقوق و روابط - (همان: ۳۹/۲)، حقوق اجتماعی در قرآن (همان: ۷۲/۲)، عدالت در روابط خانواده (همان: ۲۰۵/۲)، مسئولیت اجتماعی (همان: ۲۱۳/۲)، حقوق در روابط اجتماعی (همان: ۲۸۷/۲)، مسئولیت اجتماعی (همان: ۳۵۲/۲)، پارامترهای جامعه دینی، انگیزه ها، کشش ها و کنش های درونی، امنیت اجتماعی، مفهوم ازدواج - عوامل فروپاشی و مزیت های پابندی - و ... (همان: ۳۶۸/۲ تا آخر).

نتیجه

اندیشه اصلاح جامعه و رویکرد اجتماعی به قرآن از عراق و با اندیشه شیخ انصاری و سید جمال الدین



نشأت گرفت، و پس از گشت و گذار در کشورهای مسلمان، دوباره به زادگاه خود بازگشت تا دوران نوجوانی و بلوغ خود را با اندیشمندانی چون بلاغی و شاگردان ایشان، سپری کند و از آنجا و در قالب‌های جدید دیگر در نقاط دیگر دنیای اندیشه‌ها رو به گسترش نهد.

دو اندیشمند یادشده مغنیه و مدرسی همچون دیگر هم‌زمان خطه قلم، مسیر را در خارج از عراق از سرگرفته و سعی در ادامه راه با تفسیر اصلاح‌گرایانه و متناسب با زیستگاه خویش برآمدند، و به میزان پذیرش مخاطب و بر اساس زیرساخت‌های اندیشه‌ای خود، به مبانی و ویژگی‌های تفسیر اجتماعی پایبند بودند و هریک سبکی را در ارائه تفسیر اجتماعی در پیش گرفتند، مغنیه با پایبندی به شیوه و روش پیشینیان و سنتی سعی در ارائه تفسیری روزآمد و اصلاحی، به دور از کاستی‌ها و آسیب‌های پیشینیان داشت، وی در بیان مسائل علمی با مبنای قراردادن آموزه‌های قرآنی، علم بشری را محدود دانسته و در بسیاری از موارد از پرداختن به مسائل علمی اجتناب می‌ورزد، فلسفه احکام اسلامی را زمینه رشد و تعالی بشر و دوری از فساد و گمراهی می‌داند، در بیان روایات تفسیری مبنای روایات پیامبر قرارداده و به روایات اسباب نزول کمتر می‌پردازد، مسائل خارق‌العاده و ماوراءالطبیعه را غیب دانسته و در تفسیر با بیان عجز بشر از درک آنها یاد می‌کند، و عجز بشر از هم‌آوردی را دلیل اعجاز قرآن معرفی می‌کند، و در نهایت مشکلات و معضلات جامعه را در عدم به‌کارگیری آموزه‌های دینی بیان کرده و راهکار آن را پایبندی به مقاصد قرآن معرفی می‌کند.

آقای مدرسی با توجه به اوضاع عراق و کویت و فعالیت‌های احزاب و گروهک‌ها - مارکسیسم و مادیون و ... - با پای‌ریزی طرحی نو و ارائه تفسیری کاربردی به پاسخگویی نیازهای جامعه و جذب جوانان و پایبند ساختن آنان به اسلام همت گماشته و پس از مطالعه تفاسیر مختلف به بیان خلاصه‌ای از آنها با برداشت‌هایی در جهت اصلاح فرد، خانواده و جامعه نکاتی را بیان کرده است، ایشان نیز از پرداختن به مسائل علمی و مسائل ماوراءالطبیعه اجتناب می‌کند، و کمتر به روایات استناد کرده و بیشتر مفهوم تربیتی و هدایتی آیه را بیان می‌کند. ایشان مانند مرحوم مغنیه به فلسفه احکام می‌پردازد و دانستن آن را زمینه رشد و مانعی برای فساد می‌داند، و در تفسیر آیات سعی در بیان برداشت‌های تربیتی و هدایتی، به دور از قال و مقال‌های پیشینیان دارد و قرآن را کتاب قانون با دغدغه پاسخگویی به نیازهای بشر معرفی می‌کند.

منابع

۱. اسعدی، محمد و دیگران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: مرکز پژوهش‌های حوزه و دانشگاه، ۲۰۱۳ م.
۲. ایازی، سیدمحمدعلی، اندیشه اجتماعی در تفسیر المیزان، مجله صحیفه مبین، سازمان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره اول، شماره ۴، ۱۳۸۱ ش.
۳. آقامیری، سیده طاهره، «نگاهی به روش تفسیری الکاشف»، بینات، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۸۴ ش.
۴. بهرامی، محمد، «روش‌شناسی تفسیر «الکاشف»»، پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان شماره ۲۷ - ۲۸، ۱۳۸۰.
۵. پاکتچی، أحمد، تاریخ تفسیر قرآن، تنظیم محمد جانپور، تهران: سازمان علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۰۰۸ م.
۶. الجمال، حمد بن صادق، اتجاهات الفكر الاسلامی المعاصر فی مصر فی النصف الأول من القرن الرابع عشر الهجری (ثلاثة أجزاء)، الرياض: دار عالم الكتب، ۱۴۱۴ هـ.
۷. خالدی، صلاح عبدالفتاح، المنهج الحنکی فی ظلال القرآن، دار عمار، عمان: ۱۴۲۱ ق.
۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: دوستان- ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۹. خوش‌منش، ابوالفضل، «تفسیر آیت الله طالقانی: خطابی فرهیخته و قرآنی»، مجله دراسات القرآن و الحديث، جامعة الزهراء (س)، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۲۰۰۸ م.
۱۰. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالکتب الحديثة، ۲، ۱۹۹۶ م.
۱۱. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة، ج ۲، بیتا.
۱۲. رضایی‌اصفهان‌ی، محمدعلی، تفسیر مهر، نشر الکترونیکی، مرکز تحقیقات رسانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۳. —، منطق تفسیر قرآن، قم: دار نشر مرکز العالمی للعلوم الاسلامیة، ط ۲، ۲۰۰۶ م.
۱۴. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، بحوث فی أصول التفسیر و مناهجه، الرياض: دار التوبة، ط ۴، ۱۴۱۹ هـ.
۱۵. —، منهج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ هـ.
۱۶. —، اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر (ثلاثة أجزاء)، الرياض: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ هـ.
۱۷. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج. دمشق: دار الفكر، ۱۴۱۱ هـ.
۱۸. سایت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، زندگی‌نامه سیدمحمدتقی مدرسی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵.
۱۹. الشدی، عادل علی، الاتجاهات المنحرفة فی التفسیر فی العصر الحديث، الرياض: مدار الوطن للنشر، ۱۴۳۱ هـ.
۲۰. شریعتی، محمدتقی، تفسیر نوین (جزء سی‌ام قرآن)، تهران: شرکت سهامی نشر. ط ۵، بی‌تا.



۲۱. شریف، محمد ابراهیم، اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم في مصر، القاهرة: دار التراث، ۱۴۰۲ هـ.
۲۲. شیوا، حامد، «نواندیشی در پرتو قرآن»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، مؤسسه اطلاعات، شماره ۳۹، ۲۰۰۹ م.
۲۳. صالح، عبدالقادر محمد، التفسير و المفسرون في العصر الحديث، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۲۴ هـ.
۲۴. صدر، سيد محمد باقر، المدرسة القرآنية، بغداد / لبنان: مكتبة سلمان المحمدي، ۲۰۱۳ م.
۲۵. طالقانی، محمود، پرتویی از قرآن، تهران: شرکت سهامی نشر، ۱۹۸۳ م.
۲۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، جامعه مدرسين حوزه علميه، قم: بی تا.
۲۷. عباس، فضل حسن، المفسرون: مدارسهم و مناهجهم (القسم الأول)، عمان (الأردن): دار النفائس، ۱۴۲۷ هـ.
۲۸. عبدالحمید، محسن، تطور تفسير القرآن: قراءة جديدة، بغداد، وزارة التعليم العالي و البحث العلمي - جامعة بغداد - بيت الحكمة للنشر و الترجمة و التوزيع، ۱۹۸۹ م.
۲۹. عبدالحمید، محسن، دراسات في أصول تفسير القرآن، الرباط: دار الثقافة، ج ۲، ۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۴ م.
۳۰. عبدالمجید ابراهیم، حنان محمد، التغير الاجتماعي في الفكر الإسلامي الحديث، بيروت: المعهد العالمي للفكر الإسلامي، ۱۴۳۲ هـ.
۳۱. فضل الله، محمدحسین، تفسير من وحی القرآن، بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر، ج ۲، ۱۴۱۹ هـ.
۳۲. قاسمی، حمید محمد، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران: سروش، ۲۰۰۱ م.
۳۳. قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز الثقافی دروس من القرآن، تهران: ج ۶، ۲۰۱۱ م.
۳۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت / القاهرة: دار الشروق، ۱۴۱۲ هـ.
۳۵. المحتسب، عبدالمجید عبدالسلام، اتجاهات التفسير في العصر الحديث، بيروت: دار الفكر، ۱۳۹۳ هـ.
۳۶. مدیر، محمدحسین، «بررسی گرایش اجتماعی در تفسیر»، مجله قرآن و علم، بهار و تابستان، سال چهارم، ش ۶، ۲۰۱۰ م.
۳۷. مدرسی، محمدتقی، تفسیر من هدی القرآن، بیروت: دار الهدی، ۱۴۰۶ ق.
۳۸. مراغی، أحمد بن مصطفى، تفسیر المرآة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۱۵ م.
۳۹. معرفت، محمدهادی، التفسير الأثرى الجامع، ۶ أجزاء، قم: منشورات ذوی القربی، ۲۰۰۸ م.
۴۰. — التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب، قم: مؤسسة التمهيد الثقافية، ۲۰۰۱ م.
۴۱. مغنیه، محمدجواد، تجارب جواد مغنیه، تحقيق رياض الصباغ، نشر أنوار الهدی، قم: ۱۴۲۵ هـ.

۴۲. —، تفسیر الکاشف، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۲۴ ق.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، التفسیر الأمثل، دارالکتب الإسلامية، تهران: چ ۲، ۱۹۷۴ م.
۴۴. نفیسی، شادی، تفسیر اجتماعی قرآن: چالش تعریف و ویژگی ها، مجله علوم و حدیث، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و تابستان، شماره ۴، ۱۳۹۳ ش.
۴۵. —، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: بوستان کتاب، چ ۲، ۲۰۰۶ م.
۴۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات در قرآن، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم: ۱۹۹۴ م.



References

۱. Abbas, Fazl Hassan, Al-Mufasssirun: Madaraihum wa Manahijuhum (Part I), Amman (Jordan): Dar Al-Nafais, ۱۴۲۷ A.H.
۲. Abd al-Majid Ibrahim, Hanan Mohammad, Social Transformation in the Modern Islamic Thought, Beirut: Al-Ma'had Al-Alami for Islamic Thought, ۱۴۳۷ A.H.
۳. Abdul Hamid, Mohsen, Studies in the Principles of Tafsir al-Quran, Dar al-Thafaqa, Al-Ribat: ۲nd Edition, ۱۹۸۴ A.H.
۴. Abdul Hamid, Mohsen, The Evolution of Tafsir al-Quran: A New Reading, Baghdad, Ministry of Higher Education and Scientific Research - University of Baghdad - Bayt al-Hikmah for Publishing, Translation and Distribution, ۱۹۸۹.
۵. Aghamiri, Seyyedah Tahira, A Glimpse at the Interpretation Method of al-Kashif, Bayyinah, Number ۴۸, Winter ۲۰۰۵.
۶. Al-Jamal, Hamd bin Sadiq, The Trends of Modern Islamic Thought in Egypt in the First Half of the ۱۴th Century of the Hijri (Three Parts), Riyadh: Dar Alam al-Kutub, ۱۴۱۴ A.H.
۷. Al-Maraghi, Ahmad bin Mustafa, Tafsir al-Maraghi, Dar Ihya al-Tuhath al-Arabi, Beirut: ۲۰۱۵.
۸. Al-Mudarrisi, Mohammad Taqi, Tafsir min Hudai al-Quran, Dar Al-Huda, Beirut: ۱۴۰۶ A.H.
۹. Al-Mughaniyyah, Mohammad Javad, Experiences of Javad Mughnieh, Researched by Riyaz al-Sabbagh, Anwar Al-Huda Publishing House, Qom: ۱۴۲۵ A.H.
۱۰. Al-Mughniyyah, Mohammad Javad, Tafsir al-Kashif, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, ۱۴۲۴ A.H.
۱۱. Al-Muhtasib, Abd al-Majid Abd al-Salaam, the Trends of al-Tafsir fi al-Asr al-Hadith, Beirut: Dar al-Fakr, ۲۰۱۳ A.H.
۱۲. Al-Sadr, Al-Satyed Mohammad Baqir, The Quranic School, Salman al-Mohammadi School, Baghdad/Lebanon: ۲۰۱۳.
۱۳. Al-Shadi, Adil Ali, The Deviant Trends in Tafsir fi Asr al-Hadith, Al-Riyadh: Madar al-Watan for Publishing, ۱۴۳۱ A.H.
۱۴. Al-Tabatabai, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Jami'ah al-Madarrisin of Seminary, Qom: n.d.
۱۵. Al-Taleqani, Mahmoud, A Light from the Quran, Tehran: Sahami Publishing Company,

- ١٩٨٣.
١٦. Asa'adi, Mohammad et al., Pathology of Interpretive Trends, Qom: Hawzah and University Research Center, ٢٠١٣.
 ١٧. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, Social Thought in Tafsir al-Mizan, Sahifah Mobeen Magazine, Islamic Azad University Cultural Organization, Volume ١, Number ٤, ٢٠٠٢.
 ١٨. Bahrami, Mohammad, Methodology of Tafsir "Al-Kashif", Quranic Researches, Autumn and Winter No. ٢٧-٢٨, ٢٠٠١.
 ١٩. Dhahabi, Mohammad Hossein, Al-Tafsir wa al-Mafasssirun, Beirut: Dar al-Kutub al-Hadithah, ٢, ١٩٩٦.
 ٢٠. Fazlullah, Mohammad Hossein, Tafsir min Wahi Al-Quran, Beirut: Dar Al-Mallak for Printing and Publishing, ٢nd Edition, ١٤١٩ A.H.
 ٢١. Ghaqimi, Hamid Mohammad, Esraelites and Their Influence on the Stories of the Prophets in the Interpretations of the Quran, Tehran: Soroush, ٢٠٠١.
 ٢٢. Hashemi Rafsanjani, Akbar, Tafsir Guide: A New Method in Presenting Concepts and Topics in the Quran, Qom: Qom University Publications Office: ١٩٩٤.
 ٢٣. Islamic Sciences Computer Research Center Website, Biography of Seyyed Mohammad Taqi Mudarrasi, Publication Date: ١٥/٠٣/٢٠٢٠.
 ٢٤. Khalidi, Salah Abd al-Fattah, Al-Manhaj al-Hanaki fi Zhilal al-Quran, Dar Ammar, Oman: ١٤٢١ A.H.
 ٢٥. Khorramshahi, Bahauddin, Encyclopedia of Quran and Quran Studies, Tehran: Dostane-Nahid, ١٩٩٨.
 ٢٦. Khosh Manesh, Abul Fazl, Tafsir of Ayatollah Taleqani: An Educated and Quranic Address, Journal of al-Quran and Hadith Studies, Al-Zahra University, Second Year, First Issue, Fall and Winter ٢٠٠٨.
 ٢٧. Ma'rfiat, Mohammad Hadi, Al-Tafsir and Al-Mafasssirun in Thawba al-Qashib, Qom: Al-Tamhid al-Thaqafiyyah Foundation, ٢٠٠١.
 ٢٨. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Al-Tafsir Al-Athari al-Jama'i, ٦ Volumes, Dhawi al-Qurabi Publications, Qom: ٢٠٠٨.
 ٢٩. Madabbar, Mohammad Hossein, Investigation of Social Tendency in Interpretation, Quran and Science Magazine, Spring and Summer, ٤th Year, No. ٦, ٢٠١٠.



۳۰. Makarem Shirazi, Naser et al., Al-Tafsir al-Amxal (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲nd Edition, ۱۹۷۴ A.D.
۳۱. Nafisi, Shadi, Rationalism in Interpretations of the ۱۴th Century Hijra, Qom: Bustan Kitab, ۲nd Edition ۲۰۰۶ A.D.
۳۲. Nafisi, Shadi, Social Interpretation of the Quran: the Challenge of Definition and Characteristics, Journal of Sciences and Hadith, Research Paper on Interpretation and Language of the Quran, Spring and Summer, Number ۴, ۲۰۱۴.
۳۳. Paketchi, Ahmad, History of Quran Interpretation, Edited by Mohammad Janpour, Tehran: Theological Student Organization of Imam Sadiq University, ۲۰۰۸.
۳۴. Qara'ati, Mohsen, Tafsir Noor, Cultural Center for the Lessons from Quran, Tehran: ۲th Edition, ۲۰۱۱.
۳۵. Qutb, Seyyed, In the Shadows of the Quran, Beirut-Cairo, Dar al-Shorouq, ۱۴۱۲ A.H.
۳۶. Reza, Mohammad Rashid, Tafsir al-Quran al-Hakim Known as Tafsir al-Manar, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۲nd Edition, n.d.
۳۷. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Logic of Quran Interpretation, Qom: World Center Islamic Sciences Publishing House, ۲nd Edition, ۲۰۰۶.
۳۸. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Tafsir Mehr, Electronic Publication, Isfahan Qamiyyah Media Research Center.
۳۹. Rumi, Fahd bin Abd al-Rahman bin Sulaiman, The Trends of Modern Interpretation in the ۱۴th Century of the Hijri (Three Parts), Al-Riyadh: Al-Risalah Institute, ۱۴۰۷ A.H.
۴۰. Rumi, Fahd bin Abdul Rahman bin Sulaiman, Researches on the Principles of Exegesis and Methodology, Dar al-Towbah, Al-Riyadh: ۴th Edition, ۱۴۱۹ A.H.
۴۱. Rumi, Fahd bin Abdurrahman bin Sulaiman, Modern Method of Rational Interpretation, Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۱ A.H.
۴۲. Saleh, Abdul Qadir Mohammad, Al-Tafsir and al-Mufasssirun fi Asr al-Hadith, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۲۴ A.H.
۴۳. Sharia'ti, Mohammad Taqi, Tafsir Navin (Part ۳۰ of the Quran), Tehran: Sahami Publishing Company. ۵th Edition, n.d.
۴۴. Sharif, Mohammad Ebrahim, the Rrends of Revision in the Interpretation of the Holy Quran in Egypt, Cairo: Dar al-Tuhath, ۱۴۰۲ A.H.

٤٥. Shiva, Hamed, New Thinking in the Light of the Quran, Hikmat and Ma'rifat Ittila'at Magazine, Ittila'at Foundation, No. ٣٩, ٢٠٠٩.
٤٦. Zuheili, Wahba, Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shari'a wa al-Manhaj, Damascus: Dar al-Fakr, ١٤١١ A.H.